

روشهای مجلسی در نقد سند حدیث، با تکیه بر *مرآة العقول*

کامران ایزدی مبارکه^۱، محسن دیمه کار گراب^۲

^۱دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)، ^۲دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۷ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵)

چکیده

علامه مجلسی یکی از محدثان بزرگ امامیه است که عمر خویش را صرف صیانت و ترویج آموزه‌های قرآن و عترت کرده است. وی در حوزه‌ی فقه الحدیث، علاوه بر تلاش‌های بسیاری که در بحارالانوار انجام داده، در *مرآة العقول* که شرح «الکافی» و ملاذالاخیار که شرح «تهذیب الاحکام» است، افزون بر شرح و توضیح روایات، به نقد و بررسی اسانید روایات می‌پردازد و صحت و سقم آنها را از منظر علم رجال ارزیابی می‌کند. در این نوشتار، تلاشی صورت گرفته است که با تکیه بر کتاب *مرآة العقول*، روشهای مجلسی در نقد سند بیان شود. توجه به ویژگی‌های شخصیتی راویان، امکان نقل روایت با لحاظ طبقه‌ی راوی، کشف تصحیف، بررسی حالات مختلف عطف در یک سند، بررسی احتمالات موجود در مرجع ضمیر، نقد بر اساس احتمالات موجود در تشخیص راویان، نقد مستقل نسخه‌های مختلف از یک روایت، نقد بر اساس اسانید روایات دیگر یک راوی، ارزیابی مجموع اسانید یک روایت، نقد بر اساس جبران ضعف سند، از مهمترین این روش‌های مزبور، در *مرآة العقول* است. از آنجا که برخی از روشهای مزبور مبتنی بر آراء و دیدگاه‌های رجالی این عالم گرانقدر است، در موارد نیاز، به این دیدگاه‌ها اشاره شده است. علاوه بر آنچه گفته شد، بیان شیوه‌های مجلسی در جبران ضعف، سند برخی از روایات محکوم به ضعف از دیگر مباحث این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها علامه مجلسی، *مرآة العقول*، نقد سند، نقد حدیث.

طرح مسئله

علامه محمد باقر مجلسی، یکی از محدثان بزرگ امامیه است که علاوه بر گردآوری و تدوین بحارالانوار که بزرگترین جامع حدیثی شیعه محسوب می‌شود، در حوزه‌ی نقد

*. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۹۴۰۰۱ - فاکس: ۰۲۱-۸۸۰۸۰۴۲۴ - Email: dr.k.izadi@gmail.com

حدیث نیز تلاش‌های ارزنده‌ای داشته است. وی تحقیقاتی نیز در حوزه‌ی نقد متن داشته که در آثار فقه الحدیثی او چون مرآة العقول در شرح الکافی و ملاذالاکخیار در شرح تهذیب الاحکام و مباحث شرح احادیث در بحارالانوار، به چشم می‌خورد. مسأله‌ای که در شناخت بهتر حدیث پژوهی علامه مجلسی مطرح می‌شود، آن است که وی به عنوان محدثی که در آثارش گرایشهای اخباری به چشم می‌خورد، علاوه بر دو حوزه‌ی پیش گفته، در حوزه‌ی نقد سند نیز وارد شده است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه روش‌هایی را در این حوزه از نقد حدیث داشته است؟ پاسخ به این پرسشها، علاوه بر روشن تر کردن ابعاد حدیث پژوهی علامه مجلسی، به شناخت بهتر اندیشه‌ها و روشهای حدیث پژوهی محدثان امامیه نیز کمک می‌کند. افزون بر آن، می‌تواند به گسترش دامنه‌های نقد حدیث با تکیه بر نقد سند بیانجامد و الگوهایی عملی در این عرصه، فراروی حدیث پژوهان قرار دارد.

۱- توجه به ویژگی‌های شخصیتی راویان

۱-۱- اصحاب اجماع

"اصحاب اجماع" اصطلاحی در علم رجال است که مراد از آن هیجده نفر از اصحاب معصومانند که کشی به شرح زیر، در مورد تصدیق و تصحیح روایات آنان از منظر امامیه، ادعای اجماع کرده است:

الف - شش نفر از اصحاب مشترک امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)

کشی در مورد ایشان می‌گوید: «اجتمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الأولین من اصحاب ابي جعفر (ع) و ابي عبد الله (ع) و انقادوا لهم بالفقه، کشی آنها را چنین معرفی کرده است: زرارۀ، معروف بن خربوذ، برید، ابو بصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی و فقیه ترین آنها را زرارۀ ذکر می‌کند. البته برخی به جای ابو بصیر اسدی، ابو بصیر مرادی (لیث بن البحتری) را ذکر کرده‌اند (کشی، ۲۳۸).

ب - شش نفر از اصحاب امام صادق (ع)

کشی در مورد آنها می‌گوید: «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون و أقرروا لهم بالفقه» آنها عبارتند از: جمیل بن دراج، عبد الله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان و أبان بن عثمان، که مطابق نظر ابو اسحاق ثعلبۀ بن میمون، فقیه ترین آنها را جمیل بن دراج ذکر می‌کند (کشی، ۳۷۵).

ج - شش نفر از اصحاب مشترک امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام)

کشی در مورد آنها می‌گوید: «أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم، و أقرؤا لهم بالفقه و العلم» ایشان عبارتند از: یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی بیاع سابری، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب و أحمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، البته برخی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب را ذکر کرده‌اند؛ برخی نیز به جای ابن فضال عثمان بن عیسی را نام برده‌اند. فقیه‌ترین آنها نیز یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی هستند (کشی، ۵۵۶). شیخ طوسی نیز در عدة الاصول، به صراحت، سه تن از ایشان را ثقه دانسته که منشأ قاعده‌ای در علم رجال شده است. بر اساس این قاعده، مراسیل محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و أحمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی در حکم مسانید است (طوسی، /عدة، ۱۵۴). ناگفته نماند این قاعده بیشتر در مورد سه نفر مذکور، در بین علماء امامیه شهرت یافته است؛ همچون سید بن طاوس (نک: ابن طاوس، جمال/الاسبوع، ۴۱۹)، شهید اول (۳۴۲/۲). شیخ بهایی (شیخ بهایی، مشرق‌الشمسین، ص ۳۲؛ /الحاشیه، ۳۶)، ابن فهد حلی در المذهب البارع، علامه حلی در نهاية الوصول و سید بحر العلوم در شرح الوافی به نقل از محدث نوری (نوری، ۱۲۲/۵)، محمد تقی مجلسی (مجلسی، روضة-المتقین، ۵۵۶/۲؛ لوامع صاحبقرانی، ۲۴۵/۱) محقق سبزواری (سبزواری، ۴۹۱/۱) وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، مصابیح‌الظلام، ۲۴۶/۵ و /الحاشیه، ۲۸/۱) مولی احمد نراقی (نراقی، ۵۰/۱۵) صاحب جواهر (نجفی، ۲۷۵/۶) مجلسی نیز قاعده‌ی مذکور را پذیرفته است (مجلسی، بحار/الأنوار، ۳۴/۸۷، مرآة العقول، ۳۴۱/۷). وی از این قاعده و إجماع کشی، به عنوان دو مبنای رجالی در نقد سند، استفاده کرده است. ثمره‌ی این دو مبنای در نقد سند روایات مرسل و مجهول آشکار می‌شود:

۱-۱-۱- مراسیل

الف - صحیح؛ مجلسی، روایتی مرسل از ابن ابی عمیر را "صحیح" دانسته و چنین استدلال کرده که مراسیل ابن ابی عمیر حکم مسانید را دارد (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۱۵/۱۳).

ب - مرسل کالصحیح؛ مجلسی، روایات مرسل را که از ناحیه‌ی یکی از اصحاب اجماع نقل شده باشد، در صورتی که سایر راویان سلسله سند ثقه باشند، "مرسل کالصحیح" ارزیابی می‌کند؛ همچون روایت مرسل احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی به

این دلیل که مراسیل بزنطی؛ در حکم مسانید است (همو، ۳۴۱/۷) و نیز روایت مرسل یونس بن عبدالرحمن (همو، ۱۹۲/۲).

ج - معتبر؛ مجلسی، گاه مراسیل برخی از اصحاب اجماع را "معتبر" می‌داند؛ همچون روایت مرسل عبدالله بن مغیره به این دلیل که وی از اصحاب اجماع است (نک: همو، ۳۴/۱۴).

د - مرسل کالحسن و حسن؛ مجلسی، روایات مرسلی که شخصی ممدوح، آن را از یکی از کسانی که مراسیلشان حکم مسانید را دارد، نقل کند، "کالحسن" و یا "حسن" ارزیابی کرده است؛ همچون روایت ابراهیم بن هاشم قمی که روایت مرسل بزنطی را نقل کرده است. وی این حدیث را مرسل کالحسن دانسته؛ به این دلیل که مراسیل او در حکم مسانید است (نک: همو، ۲۴۵/۱۸). همچنین، روایت ابراهیم بن هاشم قمی را که مرسل از ابن ابی عمیر نقل شده، که مجلسی براساس قاعده‌ی "مراسیل فی حکم المسانید" سند را حسن ارزیابی می‌کند (نک: همو، ۱۵/۱۴).

ه - مرسل کالموثق؛ مجلسی، روایات مرسل عبدالله بن بکیر و ابان بن عثمان أحمرا که در الوجیزه فی علم الرجال، هر دوی آنها را از اصحاب اجماع و موثق دانسته (مجلسی، الوجیزه، ۱۲، ۱۰۵) "مرسل کالموثق" و گاه "کالصحیح" ارزیابی کرده است؛ همچون روایت مرسل ابن بکیر که آن را "کالموثق بل کالصحیح" ارزیابی کرده است؛ (مجلسی، مرآة العقول، ۳۱۱/۵) و گاه روایت او را معتبر می‌داند (همو، ۲۹/۱۴). آنچه بیان شد، دیدگاه رجالی مجلسی در خصوص این دو راوی بود؛ لکن درباره‌ی ابان بن عثمان، باید توجه داشت که مجلسی در این دیدگاه، احتمالاً، از برخی منابع رجال که در آنها ابان بن عثمان را از ناووسیه ذکر کرده‌اند (نک: کشی، ۳۵۲؛ حلی، ۲۱)، متأثر بوده؛ در حالی که برخی همچون آیت الله خویی، بر اساس پاره‌ای از نسخه‌های خطی کتب رجال، بر این باور است که ناووسیه تصحیفی از قادسیه بوده است؛ وی شهادت نجاشی و شیخ طوسی، مبنی بر اینکه ابان از حضرت ابوالحسن (ع) روایت کرده است را به عنوان مؤیدی بر دیدگاه خویش در خصوص ابان ذکر کرده و با توجه به شهادت مذکور، بر این باور است که ممکن نیست که ابان از ناووسیه که بر امامت امام صادق (ع) توقف کردند، باشد. وی در ادامه، سخن علامه حلی که بر فطحتی بودن ابان تصریح کرده (نک: حلی، رجال العلامة الحلی، ص ۲۷۷)، را دارای منشأ مشخص و معلومی ندانسته است (نک: خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۶/۱).

درباره‌ی عبدالله بن بکیر نیز اگرچه شیخ طوسی او را فطحی مذهب دانسته، اما او را توثیق کرده است (نک: طوسی، ۳۰۴) و در عدة الاصول، تصریح کرده است که امامیه، بر روایات فطحیه همچون عبدالله بن بکیر و غیر از او عمل کرده‌اند (نک: طوسی، /عدة، ۱۵۰/۱).

۱-۲-۱- مجاهیل

۱-۲-۱-۱- مجهول کالصحیح؛ مجلسی، روایت ابن ابی عمیر از شخص مجهولی به نام "محمد بن حمران" را "مجهول کالصحیح" ارزیابی کرده است (مجلسی، مرآة العقول، ۳۲۳/۱). ناگفته نماند که محمد بن حمران، بین نه‌دی که ثقة است و بین ابن حمران مجهول که ابن ابی عمیر از او نقل روایت کرده، مشترک است (مجلسی، الوجیزه، ۱۵۸). همچنین روایت یونس بن عبدالرحمن از شخص مجهولی به نام حسن بن سری است که مجلسی سند این روایت را نیز "مجهول کالصحیح" بیان می‌کند (مجلسی، مرآة العقول، ۶۱/۲). لازم به ذکر است که دلیل چنین اظهار نظری، انتساب روایت به ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن است. در واقع جلالت و عظمت ایشان که ذیل اصحاب إجماع ذکر شد، سبب شده که مجلسی روایت آن دو را از راوی مجهول، در صورت وثاقت سایر رجال سلسله سند، مجهول کالصحیح بداند. علاوه بر آنچه گفته شد، مجلسی، گاه روایت فردی مجهول را از یکی از کسانی که مراسیلشان حکم مسانید دارد، "معتبر" می‌داند؛ همچون روایت صفوان بن یحیی از شخص مجهولی به نام "عبدالحمید بن سعید" (همو، ۴۰/۱۴).

۱-۲-۱- مشایخ الإجازة

دسته‌ای از راویان که از برجستگی قابل توجهی برخوردارند، مشایخ الإجازة هستند. شهید ثانی براین باور است که نیازی به نصّ مبنی بر تزکیه‌ی ایشان و نیز نیازی به بینه‌ی مبنی بر عدالت آنها نیست. به دلیل اینکه وثاقت، ضابط بودن و ورع آنها در هر عصری مشهور بوده است (شهید ثانی، ۱۹۲).

دیدگاه شهید ثانی، پس از وی، در بین علماء امامیه به حدّی شهرت یافت که آن را به عنوان قاعده‌ای رجالی پذیرفتند. محقق اردبیلی، از آن به عنوان ضابطه‌ای برای توثیق راوی استفاده کرده است (اردبیلی، ۲۳۲/۱). شیخ بهایی نیز بیان می‌کند: «ما به حسن حال و عدالت مشایخ اجازه و امثال ایشان از مشایخ اصحاب (امامیه) اطمینان داریم.»

سپس می‌افزاید: «احادیث آنان را در حبل المتین و مشرق الشمسین در زمره‌ی احادیث صحیح آورده‌ام» (شیخ بهایی، مشرق الشمسین، ۸۳). محقق بحرانی نیز بر این باور است که مشایخ اجازه، در اعلی درجه‌ی ثاقت و جلالت هستند (نک: نوری، ۵۱۳/۳). سید نعمت الله جزایری نیز به این قاعده اشاره کرده است (نک: جزائری، ۱۴/۲).

محمد تقی مجلسی، در مورد مشایخ الاجازه می‌گوید: و لا یضر جهالة مشایخ الإجازة و لا ضعفهم (مجلسی، روضة المتقین، ۲۰۲/۴). محمد باقر مجلسی نیز ضعف و مجهول بودن مشایخ اجازه را مخل به اعتبار سند ندانسته است (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۱۰۱/۱، ۲۲۳/۸) وی در الوجیزه، نه نفر از مشایخ الاجازه را ذکر می‌کند که روایاتشان این چنین قابل تقسیم بندی است:

الف - حکم به صحت حدیث؛ مجلسی، درباره‌ی سه تن از مشایخ اجازه، تصریح به صحت حدیث می‌کند. ایشان عبارتند از: "احمد بن محمد بن حسن بن الولید"، "احمد بن محمد بن یحیی العطار" و "حسین بن حسن بن أبان" (نک: مجلسی، الوجیزه، ۶۲، ۲۴، ۲۳).

ب - تصریح به ضعف؛ مجلسی، در الوجیزة فی الرجال، "سهل بن زیاد" و "معلی بن محمد البصری" را ضعیف می‌داند؛ لکن بر این باور است که ضعف این دو، خللی به اعتبار سند روایت از آنان وارد نمی‌کند؛ به این دلیل که آن دو از مشایخ اجازه هستند (نک: مجلسی، الوجیزه، ۹۱، ۱۸۱).

ج - تصریح به جهالت؛ مجلسی، "محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری" را مجهول دانسته و به صراحت بیان کرده است که از آنجا که او از مشایخ اجازه است، مجهول بودنش ضرری به اعتبار سند وارد نمی‌کند (مجلسی، الوجیزه، ۱۵۲).

د - سکوت؛ مجلسی، درباره‌ی وثاقت یا ضعف "حسین بن عبیدالله غضایری"، "علی بن حسین سعدآبادی" و "علی بن محمد بن زبیر قرشی" سکوت کرده است (مجلسی، الوجیزه، ۶۴، ۱۲۲، ۱۲۶). در این میان با توجه به اینکه حسین بن عبیدالله بن غضائری از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی بوده (نجاشی، ۶۹؛ حلی، خلاصة الاقوال، ۵۰) به نظر می‌رسد که مجلسی با توجه به شأن و جایگاه وی، او را مستغنی از اظهار نظر دانسته است.

بر این اساس، روش مجلسی در نقد سندی که مشتمل بر مشایخ اجازه است، از این قرار است:

۱-۲-۱- ارزیابی روایات محمد بن اسماعیل

علامه مجلسی، براساس مبنای پیش گفته، روایات محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری را در صورت وثاقت سایر رجال سند، گاه "مجهول کالصحیح" (مجلسی، مرآة العقول، ۱۲۸/۱) گاه "مجهول ولكنه فی قوة الصحیح" (همو، ۱۰۱/۱) گاه "مجهول لایقصر عن الصحیح" (همو، ۲۰۶/۱۶) و گاه "کالصحیح" (همو، ۳۰۰/۱) ارزیابی کرده است. لازم به ذکر است که مجلسی در الوجیزة فی الرجال، او را مجهول ذکر کرده و درباره‌ی او می‌نویسد: محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، همان کسی است که کلینی به واسطه‌ی او از فضل بن شاذان روایت کرده است (به عنوان نمونه، نک: کلینی، ۳۱/۱، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۲) وی در ادامه تصریح می‌کند: «و لا یضرّ جهالته لکونه من مشایخ الإجازة» یعنی: «مجهول بودن وی ضرری (به اعتبار سند) وارد نمی‌سازد؛ به این دلیل که او از مشایخ اجازه است» (مجلسی، الوجیزه، ۱۵۲).

۱-۲-۲- ارزیابی روایات "سهل بن زیاد" و "معلی بن محمد بصری"

مجلسی، گاه روایات این دو را "ضعیف علی المشهور معتبر عندی" (همو، مرآة العقول، ۲۰۹/۱۱، ۴۳۰/۱۰) گاه "ضعیف علی المشهور معتمد عندی" (همو، ۲۴۸/۱۶) گاه "ضعیف علی المشهور کالصحیح عندی" (همو، ۲۴۰/۹، ۳۵۵/۷) گاه "ضعیف علی المشهور صحیح عندی" ارزیابی می‌کند (همو، ۲۷۶/۱۰). وی گاهی جهت جبران ضعف روایات ایشان، پس از بیان ضعیف علی المشهور، قید "و یدل علی المشهور" و "علیه الفتوی" را اضافه کرده است (همو، ۱۷۵/۱۵، ۸۸/۱۷).

با توجه به عبارت "ضعیف علی المشهور"، چنین به نظر می‌رسد که نظر مجلسی به سند است و از آنجا که وی این دیدگاه مشهور درباره‌ی سند چنین روایاتی که ضعیف شمرده شده‌اند را قبول ندارد، از قیدهایی همچون "معتبر عندی"، "معتمد عندی"، و "صحیح عندی" را در ذیل دیدگاه مشهور، بیان کرده است. در واقع، ارزیابی سند در مرآة العقول، بر اساس دیدگاه مشهور انجام گرفته است؛ لکن مجلسی گاه دیدگاه خویش را نیز در ادامه‌ی نظر مشهور بیان کرده است.

۱-۲-۳- روایت "حسین بن حسن بن أبان"

مجلسی، روایت ششم باب "صفه الوضوء و الفرض منه" در التهذیب را متأثر از علامه حلی و شهید اول، صحیح دانسته است و می‌گوید: گفته شده که علامه حلی در منتهی المطلب و المختلف (حلی، منتهی، ۱۰۶/۲؛ همو، مختلف/الشیعه، ۲۷۷/۱) و شهید اول

در الذکری (شهید اول، ۱۲۱/۲) این روایت که حسین بن حسن بن أبان در سلسله سند آن است را محکوم به صحت دانسته‌اند، در حالی که وثاقت وی در کتب رجال معلوم نیست. لکن حکم به صحت این حدیث از ناحیه‌ی علامه حلی و شهید ثانی، به دلیل شیخ اجازه بودن وی است و مجهول بودن وی ضرری ندارد و حکم این بزرگان به صحت حدیث وی، به منزله‌ی توثیق اوست (مجلسی، ملاذ/الآخیر، ۲۴۷/۱).

۱-۲-۴- روایات علی بن محمد بن زبیر

هرچند مجلسی درباره‌ی وثاقت وی بیانی ندارد، لکن گاه سند روایتی را که از طریق علی بن محمد بن زبیر، نقل گردیده، صحیح دانسته است (مجلسی، ملاذ/الآخیر، ۲۲/۲).

۱-۳-۳- راویان غیر امامی

شیخ طوسی معتقد است امامیه به روایات راویان عامه مانند حفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن درّاج و سکونی از معصومان (علیهم السلام)، در مواردی که ائمه (علیهم السلام) آن روایات را انکار نکرده باشند و مخالف نظر ایشان نباشد، عمل کرده‌اند؛ همچنین به روایات فطحیه و واقفیه و امثال ایشان از سایر فرقه‌های شیعه، با توجه به قید مذکور، عمل کرده‌اند (طوسی، العدة، ۱۴۹) مجلسی، در این موضوع، همچون پدرش، نظر شیخ طوسی را پذیرفته است (مجلسی، روضة المتقین، ۱۳۶/۶). علاوه بر این، بیان می‌کند که نزد من، جواز عمل به اخبار راویانی از ایشان (عامه، فطحیه، واقفیه و...)، اگر دارای کتب مشهوری باشند که ثقات در زمان ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) از آنها روایت نقل کرده‌اند، بعید نیست (مجلسی، مرآة العقول، ۴/۱۳). نمونه‌های زیر، گویای روش نقد وی نسبت به اینگونه روایات است:

۱-۳-۱- روایات عامه همچون "سکونی"

شیخ طوسی درباره‌ی وی می‌گوید: "اسماعیل بن أبی زیاد سکونی" صاحب کتاب کبیر و کتاب نوادر است (طوسی، الفهرست، ۳۳) وی از اهل سنت نیز نقل روایت می‌کند (برقی، ۲۸). علامه حلی و ابن داود حلی، او را عامی ذکر کرده‌اند (نک: حلی، خلاصة الاقوال، ۱۹۹؛ ابن داود حلی، ۴۲۶). مجلسی، پس از تضعیف وی، می‌گوید: او به دلیل توثیق شیخ طوسی در العدة (نک: طوسی، العدة، ۱۴۹) موثق است (مجلسی، الوجیزة، ۲۹) لذا روایات او را "ضعیف علی المشهور" ارزیابی می‌کند (مجلسی، مرآة العقول، ۳۶/۱، ۷۶/۱) و گاه قید "ربما یعد موثقاً" را نیز اضافه می‌کند (همو، ۱۹۸/۱۶).

چنین می‌نماید که افزایش این قید، متأثر از دیدگاه شیخ طوسی درباره‌ی روایات سکونی است که در عدة الاصول چنین تصریح کرده است: «امامیه به روایات افرادی همچون حفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج و سکونی و جز این افراد از عامه به نقل از ائمه (علیهم السلام) عمل کرده‌اند؛ در صورتی که ائمه (ع)، آن روایات را نفی نکرده و نزد ایشان روایاتی در منافات با روایات راویان مذکور نباشد (طوسی/العدة، ۱۴۹).

۱-۳-۲- روایات فطحیه؛ همچون "عبدالله بن بکیر"

شیخ طوسی، او را فطحی المذهب، موثق و صاحب کتاب می‌داند (طوسی، الفهرست، ۳۰۴). مجلسی نیز او را غیر امامی موثق و از اصحاب إجماع معرفی کرده است (نک: مجلسی، الوجیزة، ۱۰۵). لذا روایات او را گاهی "موثق کالصحیح" می‌داند (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۱۸۰/۱). و اگر مرسل باشد "مرسل لکنه معتبر" ارزیابی می‌کند (نک: همو، ۲۹/۱۴).

۱-۳-۳- روایات واقفیه؛ همچون روایات "علی بن ابی حمزه بطائنی"

شیخ طوسی، علی بن ابی حمزه بطائنی را واقفی المذهب و دارای اصل ذکر می‌کند (نک: طوسی، الفهرست، ۲۸۳). مجلسی نیز پس از تضعیف وی، می‌گوید: «گفته شده که علی بن ابی حمزه، به دلیل نظر شیخ طوسی در العدة، مبنی بر جواز عمل به اخبار او و اینکه او را صاحب اصل می‌داند (نک: طوسی، العدة، ۱۵۰) غیر امامی موثق است (مجلسی، الوجیزة، ۱۱۸). بر این اساس، روایات او را "ضعیف علی المشهور" با قیدهای "ربما يعد موثقاً" (مجلسی، مرآة العقول، ۱۲۵/۱)، "و علیه الفتوی" (همو، ۹۵/۱۵)، "علیه الأصحاب" (همو، ۱۷۲/۱۷) و گاه بدون قید ارزیابی می‌کند (همو، ۲۵۶/۱۳). لازم به ذکر است که مجلسی قید "و علیه الفتوی" را درباره‌ی روایتی از علی بن ابی حمزه از ابوبصیر به نقل از امام صادق (ع)، درباره‌ی مسأله‌ی جواز تکرار شهادتین و حی علی الصلاة و حی علی خیر العمل در اذان ذکر کرده و این قید به این معنی است که برخی از امامیه، بر مدلول روایت مذکور، اعتماد کرده و بر اساس آن فتوی داده‌اند. و قید "علیه الأصحاب" را درباره‌ی روایتی از علی بن ابی حمزه از امام صادق (ع) (مبنی بر جواز به حج رفتن زن برای انجام فریضه‌ی حَجَّةُ الْإِسْلَام که شوهرش نزد او نیست و او را نهی کرده که به حج برود) ذکر کرده است؛ به این معنی که امامیه بر مدلول این روایت اعتماد کرده‌اند. لذا به نظر می‌رسد، ذکر دو قید مذکور پس از ضعیف دانستن روایت در نظر مشهور، ناظر به تلاش مجلسی برای جبران ضعف آن دو روایت مذکور است.

نجاشی می‌گوید: سلیم بن قیس کتابی دارد (نجاشی، ۸). کشی، روایاتی را در مدح و تصدیق او نقل کرده است (نک: کشی، ۱۰۵). شیخ طوسی او را از اصحاب أميرالمؤمنین (ع) و صاحب کتاب می‌داند (طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ۱۱۴، همو، *الفهرست*، ۲۳۰). ابن غضائری به صراحت می‌نویسد: «الکتاب موضوع لا مریة فيه (ابن‌الغضائری، ۱۵۷/۳). ابن داود حلی نیز این کتاب را به صراحت موضوع و مشتمل بر مناکیر مشهور دانسته است (نک: ابن‌داود، ۴۶۰). در این میان، اگر چه علامه حلی نیز همان دیدگاه ابن غضائری (الکتاب موضوع لا مریة فيه) را درباره‌ی کتاب سلیم ذکر کرده، لکن در ادامه، سلیم بن قیس را عادل دانسته و می‌نویسد: به نظر من، باید در روایات فاسد و موضوع این کتاب توقف کرد (الحلی، *خلاصة القول*، ۸۳). لذا به نظر می‌رسد که علامه حلی، قائل به نفی کلی کتاب سلیم نبوده؛ بلکه قائل به تفصیل بوده است؛ به عبارت دیگر علامه حلی، همه‌ی روایات آن کتاب را موضوع ندانسته است. میرزا ابوالحسن شعرانی می‌نویسد: «و الحق أن هذا کتاب موضوع لغرض صحيح..» یعنی: «به حقیقت که این کتاب موضوع است؛ لکن برای غرض صحیحی وضع شده است؛ همچون کتاب الحسنة و طرائف ابن طاووس و الرحلة المدرسية بلاغی و نظیر آن» و در ادامه می‌نویسد: «اگر برخی روایات آن، به دلیل خارجی از کتاب تأیید شود، مشکلی نیست و در غیر این صورت هیچ اعتباری به روایات متفرد این کتاب نیست؛ البته، غالب روایات این کتاب تأیید می‌شود و متفرد نیست» (شعرانی، در پاورقی شرح الکافی، ۳۷۴/۲). لذا این کتاب، موضوع هم باشد، دلیل بر غلط بودن مطالبش نیست. در این میان، مجلسی در الوجیزه او را «مختلف فيه» معرفی می‌کند (نک: مجلسی، *الوجیزة*، ۸۸) لکن در شرح کافی می‌گوید: «نسخه‌ای از کتاب سلیم نزد من موجود است و در آن مطالبی می‌بینم که در انسان گمانی قوی بر صحت آن ایجاد می‌کند (مجلسی، *مرآة العقول*، ۲۱۰/۱) و در جای دیگری می‌نویسد: «کتاب سلیم مورد قبول قدماء بوده است؛ کلینی، شیخ صدوق و جز این دو، که شناخت بهتری نسبت به متأخران درباره‌ی احوال رجال دارند، بر این کتاب اعتماد کرده‌اند. این کتاب بر امام باقر (ع) عرضه شده و نزد ما موجود است» (همو، ۲۹۱/۳). البته در مقدمه‌ی این کتاب، آمده است که ابان بن ابی عیاش، کتاب سلیم را

بر امام سجاد (ع) قرائت کرد و حضرت فرمود: «سلیم راست گفته است؛ اینها احادیث ما است که از آنها خبر داریم» (سلیم بن قیس، ۵۶۴). در هر صورت، ارزیابی مجلسی درباره‌ی روایات سلیم بن قیس، مبنی بر این دیدگاه، آن است که روایات او "ضعیف علی المشهور معتبر عندی" (همو، ۱۴۲/۱) و "ضعیف علی المشهور معتمد عندی" (همو، ۱۴۸/۱) و "مختلف فيه معتبر عندی" (همو، ۲۳۱/۱۱) است و اگر در سند، شخص ممدوحی همچون ابراهیم بن هاشم قمی وجود داشته باشد، سند را "حسن علی الظاهر، بل صحیح" ارزیابی می‌کند (نک: همو، ۲۹۱/۳).

۱-۴-۲- محمد بن سنان الزاهری

نجاشی، ابن غضائری و شیخ طوسی، او را ضعیف دانسته‌اند (نک: نجاشی، ۳۲۸؛ ابن الغضائری، ۹۲/۱؛ طوسی، ۳۶۴). کشی روایات مختلفی در مدح و قبح او نقل نموده است (نک: کشی، ۵۰۷). علامه حلی، با توجه به این روایات، در مورد او توقف کرده و از اظهار نظر درباره وی خودداری کرده است (نک: حلی، خلاصة الاقوال، ۲۵۱). مجلسی اگرچه او را ضعیف معرفی می‌کند، لکن به استناد توثیق شیخ مفید (مفید، الارشاد، ۲۴۸/۲) می‌گوید: «محمد بن سنان نزد من فردی قابل اعتماد است.» (مجلسی، الوجيزة، ۱۶۱) و در جای دیگری، به استناد توثیق شیخ مفید و سید بن طاووس (نک: ابن طاووس، ۱۳)، روایتی ضعیف از او را صحیح دانسته و می‌نویسد: «ابن ادريس در مستطرفات السرائر، روایتی به نقل از جامع بزنطی با سندی صحیح از امام صادق (ع) درباره‌ی وی نقل می‌کند که فرمود: «خداوند، خانه‌ای در بهشت برای او بنا کند؛ به خدا سوگند او در حدیث امین بود.» مجلسی، معتقد است که این حدیث، بر وثاقت و جلالت او دلالت دارد؛ هرچند وفق نظر مشهور، وی را ضعیف می‌دانند (مجلسی، مرآة العقول، ۱۲۶/۱۰).

روش مجلسی در نقد روایات محمد بن سنان، مبنی بر این دیدگاه، آن است که گاه روایات او را "ضعیف علی المشهور" با قیدهایی همچون "معتبر عندی" (همو، ۳۱۲/۴)، "معتمد عندی" (همو، ۳۱۵/۱۶)، "صحیح عندی" (همو، ۲۸۴/۱۱)، "لا یقصر عن الصحیح" (همو، ۳۳۵/۷) و گاه "مختلف فيه، صحیح عندی" ارزیابی می‌کند (همو، ۳۵۴/۵).

۲- امکان نقل روایت، با لحاظ طبقه‌ی راوی

یکی دیگر از روشهای مجلسی در نقد سند، بررسی امکان نقل روایت با توجه به طبقه‌ی راوی است. وی در موارد متعددی از این روش استفاده کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۲- اشتراک دو یا چند راوی

یکی از موارد کاربرد این روش، نقد سندی است که در آن نام یک راوی بین چند تن از راویان که به لحاظ ضعف و وثاقت متفاوتند، مشترک باشد؛ مانند روایت "مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْمُسَمِّعِيِّ" از امام صادق (ع) "مجلسی سند این روایت را این گونه نقد می‌کند که "مسمعی" بر سه نفر از راویان اطلاق می‌شود:

الف - عبدالله بن عبد الرحمن الأصم که ضعیف است و در طبقه‌ای نیست که بتواند از امام صادق (ع) نقل روایت کند.

ب - محمد بن عبدسالمه مسمعی که هرچند ضعیف و یا مجهول است، اما او نیز در طبقه‌ای نیست که بتواند از امام صادق (ع) نقل روایت کند؛ زیرا محمد بن أحمد بن یحیی چند طبقه پایین تر از طبقه‌ی اصحاب امام صادق (ع) است و از او نقل روایت می‌کند.

ج - مسمع بن عبدالمملک؛ وی در طبقه‌ای است که می‌تواند از امام صادق (ع) روایت کند؛ چرا که نجاشی گوید: او از امام باقر و امام صادق و امام کاظم (علیهم السلام) روایت نقل کرده (نجاشی، ۴۲۰) و شیخ طوسی او را در زمره‌ی اصحاب امام صادق (ع) ذکر کرده است (نک: طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۳۱۲) برخی محدثان بزرگ امامیه، در کتب روایی، روایات متعددی، به واسطه‌ی او از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند؛ مانند کلینی (نک: کلینی، ۲۷۲/۲)، شیخ صدوق (نک: ابن بابویه، فقیه، ۴۳۱/۲)، شیخ طوسی (نک: طوسی، تهذیب الاحکام، ۵/۵؛ همو، الاستبصار، ۱۴۶/۲) ابن قولویه (نک: ابن قولویه، ۶۸) با این روش، مجلسی به این نتیجه می‌رسد که مراد از مسمعی در میان این سه نفر، مسمع بن عبدالمملک است که از ثقات می‌باشد. داوری وی در خصوص اعتبار سند مذکور، چنین است که بیشتر علماء امامیه، این حدیث را ضعیف می‌دانند؛ لکن به نظر من صحیح است (مجلسی، مرآة العقول، ۱۸۱/۱۲).

۲-۲- غرابت و اشتباه احتمالی در سند

از دیگر مواضع بهره‌وری از این روش، آنجاست که در سند حدیث، نوعی غرابت و احتمال اشتباه در ضبط سند، وجود داشته باشد؛ همچون روایت "أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ" از امام رضا (ع)، از نظر مجلسی، در این سند نوعی غرابت وجود دارد؛ زیرا در کتب

رجال، شخصی به نام "أحمد بن أبي عبدالله" به جز احمد بن محمد بن خالد برقی وجود ندارد؛ وی به منظور بررسی این احتمال، به بررسی طبقه‌ی او و امکان نقل روایت وی از امام رضا (ع) پرداخته است و به این نتیجه رسیده که احمد بن محمد بن خالد برقی از امام رضا (ع) روایت نمی‌کند؛ بلکه از امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) روایت می‌کند؛ افزون بر این، محمد بن عیسی عبیدی که طبقه‌اش از طبقه‌ی احمد بن محمد بن خالد برقی بالاتر است، چگونه می‌تواند از او روایت کند؟ مجلسی با رد این احتمال، به این نتیجه می‌رسد که احتمالاً در ضبط سند این حدیث، اشتباهی رخ داده است (مجلسی، مرآة العقول، ۴۶/۳).

۲-۳- انقطاع در سند

یکی دیگر از موارد کاربرد این روش، تشخیص انقطاع در سند است. مانند روایت نخست باب "صوم المتمتع إذا لم يجد الهدى" از الکافی که با این سند نقل شده است: "عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَمَامٍ صَادِقٍ (ع)"، مجلسی بر اساس روش مذکور، این حدیث را که به ظاهر مسند است، منقطع می‌داند؛ زیرا أحمد بن محمد و سهل بن زیاد، بی واسطه از رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى نقل روایت نمی‌کنند؛ بلکه این دو، غالباً به واسطه فضالة و یا محمد بن ابی عمیر و یا ابن فضال و یا ابن ابی نصر، از امام صادق (ع) روایت می‌کنند. مجلسی، با توجه به روایت دوم باب مذکور که سند آن با ابن ابی نصر شروع می‌شود، راوی محذوف در روایت بالا را ابن ابی نصر دانسته است (مجلسی، مرآة العقول، ۱۹۳/۱۸).

۳- کشف تصحیف

از دیگر روشهای نقد سند، کشف تصحیف در سلسله سند است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تا نام صحیح و کامل یک راوی مشخص نشود، ارزیابی و نقد سند، به درستی انجام نخواهد شد. علامه مجلسی به منظور نیل به این مهم، از روشهای ذیل بهره گرفته است:

۳-۱- تکرار حدیث در همان کتاب

گاه یک حدیث، با اندک تفاوتی در سند، در یک کتاب تکرار می‌شود که یکی از احتمال‌ها در چنین مواردی، وقوع تصحیف در یکی از آنهاست. مانند روایت "مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ" که در باب "المؤمن و علاماته و

صفاته" با سلسله سند "عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن محبوب عن جميل بن صالح عن عبد الله ابن غالب" نیز ضبط شده است. مجلسی، در ابتدا، به دلیل مجهول بودن عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ غَالِبٍ، روایت نخست را مجهول دانسته است؛ لکن با توجه به ضبط عبدالله بن غالب در روایت دوم و این که عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ غَالِبٍ در کتب رجال ذکر نشده، برخلاف عبدالله بن غالب که به عنوان شاعری معروف و ثقه ثبت شده است (نک: نجاشی، ۲۲۲) به این نتیجه می‌رسد که در روایت نخست تصحیف رخ داده و نام صحیح راوی "عبدالله بن غالب" است. لذا مجلسی روایت نخست را به دلیل وثاقت رجال سند، صحیح می‌داند و روایت دوم را با توجه به ممدوح بودن ابراهیم بن هاشم قمی (نک: مجلسی، الوجیزه، ۱۶) و وثاقت سایر رجال سند، "حسن کالصحیح" می‌داند. لذا روایت دوم را حسن کالصحیح ارزیابی کرده است (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۲۹۱/۷).

۲-۳- توجه به دیگر نسخ

توجه به نسخه‌های دیگر کتاب، کمک بسیاری در کشف تصحیف می‌کند. به عنوان نمونه، در بررسی سند روایت هفتم "بَابُ مَا جَاءَ فِي الْاَثْنَيْ عَشَرَ وَ النَّصِّ عَلَيْهِمْ ع" در الکافی که در برخی از نسخه‌ها، "علی بن حسین بن رباط" ذکر شده و در برخی از نسخه‌های دیگر "علی بن حسن بن رباط" ضبط گردیده است، مجلسی با توجه به ثبت "علی بن حسن" در کتب رجال (نک: نجاشی، ۲۵۱؛ طوسی، الفهرست، ۲۶۹) و عدم ثبت "علی بن حسین"، "علی بن حسن" را مرجح می‌داند؛ لذا از عبارت وی چنین برمی‌آید که او "علی بن حسین" را تصحیف "علی بن حسن" دانسته است (مجلسی، مرآة العقول، ۲۲۳/۶).

۳-۳- توجه به دیگر کتب روایی

گاهی یک روایت، با اندک تفاوت سندی، در دیگر کتب روایی معتبر نیز نقل شده است. در این حالت نیز، وقوع تصحیف محتمل است. مانند روایت نخست از باب "المکارم" در الکافی که در سند آن "حسین بن عطیه" ثبت شده است. مجلسی، این روایت را مجهول دانسته است؛ لکن با توجه به ضبط "حسن بن عطیه" در سند روایت به نقل از خصال شیخ صدوق، مجالس شیخ طوسی و شیخ مفید و ثبت "حسن بن عطیه" در کتب رجال، برخلاف "حسین بن عطیه"، نقل مشایخ مذکور را می‌پذیرد و "حسین" را تصحیف از "حسن" می‌داند و این روایت را "حسن کالصحیح" ارزیابی کرده است (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۳۴۳/۷).

دقت در این سه کتاب، بیانگر آن است که تنها شیخ صدوق (نک: ابن بابویه، الخصال، ۲، ۴۳۱) و شیخ طوسی (طوسی، الامالی، ۱۰) نام "حسن بن عطیه" را در سند این

روایت ذکر کرده‌اند. اما شیخ مفید نام "حسین بن عطیه" را در سند آورده است (مفید، *الأمالی*، ۲۲۶) بنابراین، چه بسا در نسخه‌ی آمالی شیخ مفید که نزد مجلسی بوده است، "حسن بن عطیه" ضبط شده باشد؛ در غیر این صورت باید گفت در کلام مجلسی، سهوی رخ داده است. اما اینکه چرا مجلسی این روایت را "حسن کالصحیح" ارزیابی کرده، شاید به این دلیل باشد که وی "هَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ" و "يَزِيدُ بْنُ إِسْحَاقَ شَعْرِ" را ممدوح و علامه حلی نیز حدیث این دو را صحیح دانسته و شهید ثانی، "يَزِيدُ بْنُ إِسْحَاقَ" را توثیق کرده است (نک: مجلسی، *الوجیزة*، ۹۴ و ۱۹۹). سیدنعمت‌الله جزایری، گوید: «شاید مأخذ این توثیق، سخن علامه حلی باشد که طریق روایتی را که در من لایحضره الفقیه به "هارون بن حمزه" ختم شود، صحیح می‌داند و یزید بن اسحاق، در این طریق است» (جزایری، ۲۰۴/۲؛ نک: حلی، *خلاصة الاقوال*، ۲۷۹). همچنین، علامه حلی طریق روایت "ثویر بن أبی فاختة" در من لایحضره الفقیه را صحیح می‌داند و "هَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ" در این طریق ذکر شده است (نک: حلی، *خلاصة الاقوال*، ۲۸۱).

۳-۴- توجه به کثرت روایت از مروی عنه

گاه شخصی مجهول در سند روایت وجود دارد که ارزیابی سند را با مشکل مواجه می‌سازد. در این مواقع، یکی از قرائنی که نقد سند را ممکن می‌سازد، توجه به مروی عنه و کثرت روایت از او است. مانند روایت هشتاد و هشتم از کتاب روضة الکافی که سند آن "الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ" است. مجلسی در ابتداء، این روایت را به دلیل "محمد بن اسحاق" مجهول می‌داند. سپس به دلیل انس فراوان با روایات بیان می‌کند که به نظر می‌رسد نام صحیح راوی "احمد بن اسحاق" باشد چراکه "احمد بن اسحاق" از "بکر بن محمد" بسیار نقل روایت کرده است. مجلسی، با توجه به وثاقت "احمد بن اسحاق" و رجال سند، این روایت را صحیح ارزیابی می‌کند. البته مرحوم مجلسی، نقل همین روایت به واسطه احمد بن اسحاق در "قرب الإسناد" (حمیری، ۲۰) را به عنوان مؤیدی بر تصحیف مذکور بیان کرده است (نک: مجلسی، *مرآة العقول*، ۲۶۵/۲۵).

۴- بررسی حالات مختلف عطف در یک سند

یکی دیگر از روشهای مجلسی در نقد سند، توجه به حالات مختلف عطف در سند یک روایت است. وی پس از بررسی این حالات، حالت عارض بر سند را بیان می‌کند. به عنوان نمونه، در سند حدیث نهم از باب "مولد أبی الحسن الرضا (ع)" ذیل این سند "الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُسَافِرٍ وَعَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُسَافِرٍ" که مسافر

از امام رضا (ع) روایت کرده است، سه حالت عطف برای عبارت "و عن الوشاء" در سلسله سند در نظر می‌گیرد.

الف - حالت اول این که اگر "و عن الوشاء" را عطف بر عبارت "عن مسافر" بدانیم، همانطور که از ظاهر سند بر می‌آید، سند روایت، "ضعیف علی المشهور" می‌شود؛ زیرا دو حالت قابل فرض است: یا معلی بن محمد به واسطه‌ی وشاء و یا بدون واسطه، از مسافر نقل روایت کرده، و از آنجا که در هر دو صورت، "معلی بن محمد" در سند روایت وجود دارد، حالت عارض بر سند، ضعیف علی المشهور است.

ب - اگر عطف بر "عن معلی" باشد، دو حالت فرض می‌شود: "الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُسَافِرٍ" و "الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُسَافِرٍ" که در صورت دوم که "معلی بن محمد" در سلسله سند نیست، حالت عارض بر سند، به دلیل ممدوح بودن مسافر (مجلسی، /الوجيزة، ۱۷۷)، "حسن" خواهد بود.

ج - حالت سوم که از ظاهر عبارت شیخ مفید در الارشاد استفاده می‌شود که "و عن الوشاء" را عطف بر حسین بن محمد دانسته است که سند روایت در این فرض این گونه می‌شود که "و شاء عن معلی بن محمد عن مسافر"، این احتمال بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا طبقه‌ی "و شاء" از طبقه‌ی "معلی" بالاتر است. مجلسی در جای دیگری از مرآة العقول بیان می‌کند که "معلی بن محمد" از مشایخ اجازه کتاب و شاء است (مجلسی، مرآة العقول، ۲۸/۱۰) لذا نقل روایت "و شاء" از "معلی" بسیار بعید است. علامه مجلسی با بررسی احتمالات مذکور، حالت نخست را که از ظاهر عبارت برمی‌آید، ترجیح داده است (همو، ۸۹/۶).

۵- بررسی احتمالات‌های موجود در مرجع ضمیر

گاه در برخی از موارد، در سند روایت، ضمیری وجود دارد که برای نقد حدیث، باید مرجع آن ضمیر را یافت؛ زیرا احتمالات مختلف، موجب ارزیابی‌های متفاوت می‌شود. مانند روایت دوازدهم از باب "فرض طاعة الأئمة (ع)" "عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.." از الکافی که در مرجع ضمیر "سألته" چند احتمال وجود دارد. مجلسی در نقد این سند، از ظاهر عبارت آن دریافته که "محمد بن فضیل"، "محمد بن قاسم بن فضیل" است؛ زیرا چنین مواردی، در ضبط سند شایع بوده است؛ لذا با توجه به طبقه‌ی

او، احتمال نخست، آن است که ضمیر سألته به امام رضا (ع) بر گردد. احتمال دوم آن است که مرجع ضمیر، امام صادق (ع) باشد که مجلسی این احتمال را بعید می‌داند (ظاهراً به دلیل طبقه "محمد بن قاسم" و اینکه امکان نقل روایت او از امام صادق (ع) بعید به نظر می‌رسد) و احتمال سوم آن که این ضمیر، به "محمد بن فضیل" برگردد؛ در این صورت، روایت مذکور، در واقع حدیث نخواهد بود؛ بلکه سخن یونس است. مجلسی این قول را بسیار بعید می‌داند؛ بنابراین، احتمال نخست که مبنی بر آن است که راوی، "محمد بن قاسم بن فضیل" باشد را پذیرفته و با توجه به وثاقت راویان سند، این روایت را صحیح ارزیابی کرده است (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۳۳۳/۲).

۶- نقد بر اساس احتمالات موجود در تشخیص راویان

از دیگر روشهای مجلسی در نقد سند، نقد بر اساس احتمالات موجود در تشخیص راویان است. وی برای نیل به این مهم، از قراین و شواهد گوناگونی، از جمله موضوع روایات مروی عنه، کتب روایی، منابع رجالی و دیگر قراین مرتبط بهره گرفته است؛ مانند روایت هفتم از باب "فی تسمیة من رآه (عجل الله فرجه)" از الکافی "عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ" نجاشی در کتاب رجالش درباره شخصی به نام "محمد بن علی بن ابراهیم بن محمد همدانی" می‌گوید: «او و پدر و جد و پسرش قاسم همگی از وکلاء ناحیه مقدسه هستند.» و نیز می‌گوید: «قاسم در زمان خودش، به همراه "أبو علی بسطام بن علی" و "عزیز بن زهیر" که هر سه از وکلاء ناحیه مقدسه در همدان بودند، به محضر "أبو محمد حسن بن هارون همدانی" و پدرش "أبو عبدالله هارون" که این دو نیز از وکلاء ناحیه بودند، می‌رفتند و بهره‌ها می‌بردند.» (نجاشی، ۳۴۴). مجلسی، با توجه به سخن نجاشی، احتمال می‌دهد که "محمد بن علی بن ابراهیم" در سند، "محمد بن علی بن ابراهیم همدانی" و "ابی عبدالله بن صالح" همان "هارون بن عمران" باشد. وی با استفاده از قرینه‌ای دیگر به احتمال دیگری رسیده و آن عبارت است از موضوع روایاتی که "ابی عبدالله بن صالح" نقل کرده است؛ به عبارت دیگر، مجلسی در سند بسیاری از روایات غیبت مشاهده کرده است که به جای "ابی عبدالله بن صالح"، "محمد بن صالح بن محمد" ذکر شده است؛ علاوه بر این، شاهد و موید دیگری از کتاب اعلام الوری برای تایید این احتمال می‌آورد؛ مبنی بر اینکه طبرسی "محمد بن صالح" را از وکلاء ناحیه مقدسه دانسته است (نک:

طبرسی، ۴۵۴). لذا به احتمال دیگری، "ابی عبدالله بن صالح"، "محمد بن صالح بن محمد" است. در مجموع این احتمال با موضوع این روایت (غیبت) و راویش، "محمد بن علی بن ابراهیم همدانی" که از وکلاء ناحیه مقدسه است، سازگاری قابل توجهی دارد. مجلسی بر اساس این دو احتمال و وثاقت راویان آن، این روایت را صحیح می‌داند. در پایان نیز احتمال دیگری مطرح می‌کند که ممکن است مراد از "ابی عبدالله"، "ابی عبدالله قنبری" باشد که در این صورت، روایت را مجهول دانسته است (نک: مجلسی، *مرآة العقول*، ۱۱/۴).

۷- نقد مستقل نسخه‌های مختلف از یک روایت

یکی دیگر از روشهای مجلسی در نقد سند، نقد مستقل نسخه‌های مختلف از یک روایت است. بسیار اتفاق می‌افتد که نام یک راوی در نسخه‌ی دیگر کتاب، با اندک تفاوتی، ضبط شده باشد. روش مجلسی در این موارد آن است که با شواهد و قرائن گوناگون، تصحیف و یا تحریف احتمالی را تشخیص بدهد. حال اگر تصحیف و تحریف احتمالی در سند مشخص نشود و روایت از طریق دو یا چند راوی نقل شده باشد، سندهای یک روایت را در نسخه‌های مختلف، به طور مستقل و مجزا از یکدیگر، نقد و ارزیابی می‌کند. مانند حدیث نخست از باب "أن السکينة هی الإیمان" با سند ذیل "مُحَمَّدُ بْنُ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ" از الکافی که در برخی از نسخه‌ها "أبی حمزه" و در برخی دیگر "علی بن اِبی حمزه" ضبط شده است. مرحوم مجلسی احتمال هیچ‌گونه تصحیف و یا تحریفی را مطرح نکرده است. لذا هر دو سند را مستقل از دیگری نقد کرده است. به این صورت که با توجه به وثاقت راویان در سند اول، روایت را صحیح می‌داند و روایت نسخه‌ی دیگر را به دلیل وجود "علی بن اِبی حمزه" (نک: ۱-۳-۳) ضعیف علی المشهور ارزیابی می‌کند (نک: مجلسی، *مرآة العقول*، ۷۱/۷) و نیز حدیث بیست و سوم باب "ما يجوز من الوقف والصدقة و.." از الکافی که مجلسی با توجه به نسخه‌ی نخست که نام "صفوان" در سند آمده است و دیگر راویان ثقه هستند، این روایت را صحیح دانسته و در نسخه‌ی دوم که به جای "صفوان بن یحیی"، "سعدان بن مسلم" ضبط شده است، روایت را به دلیل مجهول بودن "سعدان" مجهول ارزیابی کرده است (نک: همو، ۵۷/۲۳).

۸- نقد بر اساس اسانید روایات دیگر یک راوی

از دیگر روشهای مجلسی در نقد سند، نقد بر اساس اسانید روایات دیگر یک راوی است. مانند روایتی از یک راوی که نام چند نفر از سلسله سند حذف شده باشد. در این صورت، روایات دیگر وی، می‌تواند قرینه‌ی مناسبی در نقد سند این روایت باشد. مانند روایت چهلم باب "تاریخ مولد النبی صلی الله علیه و آله و وفاته" از الکافی که سند این روایت با "ابن محبوب" شروع شده است و راویان بین کلینی و حسن بن محبوب در سند حذف شده‌اند. مجلسی، سند این روایت را به ظاهر، صحیح می‌داند؛ زیرا هر چند کلینی بی واسطه از ابن محبوب روایت نقل نکرده است، لکن بارها روایاتی را با سندهای صحیح، همچون روایات نخستین باب مذکور، از وی نقل کرده است. لذا علامه مجلسی با توجه به روایات دیگر ابن محبوب، سند این روایت را "صحیح علی الظاهر" ارزیابی می‌کند (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۲۷۲/۵).

۹- ارزیابی مجموع اسانید یک روایت

بسیاری از روایات، از چند طریق نقل شده‌اند. مجلسی در بیشتر این موارد، هر سند را مستقل از دیگری ارزیابی کرده و به همین مقدار بسنده می‌کند (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۲۲۱/۲، ۱۶۳/۹) لکن گاه پس از نقد مستقل هر یک از اسانید، برآیند حاصل از ارزیابی دو یا چند سند را نیز بیان می‌کند. مانند روایت نخست "کتاب الروضة" که کلینی از سه طریق، این روایت را نقل کرده است. مجلسی، سند اول را به دلیل "حفص مؤذن" مجهول می‌داند. سند دوم را به دلیل "محمد بن سنان"، از منظر امامیه، ضعیف می‌داند؛ لکن می‌گوید: از نظر من معتبر است (نک: ۱-۴-۲) و سند سوم را به دلیل ضعف "قاسم بن ربیع" (نک: مجلسی، ۱۴۰) ضعیف دانسته است. سپس مجموع نقدهای مستقل از سه سند را جمع بندی کرده، حالت کلی عارض بر این روایت را در قوت "مجهول کالحسن" ارزیابی کرده است. (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۶/۲۵).

مجلسی، در بررسی روایت نود و پنجم کتاب الروضة که کلینی آن را از سه طریق نقل کرده است، سند نخست را ضعیف و سند دوم را حسن کالصحیح و سند سوم را ضعیف و یا مجهول می‌داند. سپس به بررسی مجموع سه نقد مذکور پرداخته و به دلیل تقویت یک سند با سند دیگر، حالت کلی عارض بر این روایت را در قوت صحیح دانسته است. وی در پایان، به منظور تأیید این نتیجه، به نقل شیخ صدوق از این روایت، با سندی صحیح، استناد کرده است (نک: همو، ۲۹۵/۲۵).

۱۰- نقد بر اساس جبران ضعف سند

مجلسی، در برخی از موارد که سند روایت را ضعیف ارزیابی کرده است، به منظور جبران ضعف سند به قرائنی استناد می‌کند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱۰-۱- نقل روایت با سندی صحیح

همچون روایت نخست از باب "التطوع يوم الجمعة" از الکافی که مجلسی به دلیل وجود "سهل بن زیاد" در سند، این روایت را "ضعیف علی المشهور" ارزیابی کرده است (نک: ۲-۲-۱) سپس برای جبران این ضعف، به نقل این روایت در قرب الاسناد با سندی صحیح استناد می‌کند (نک: حمیری، ۱۵۸).

۱۰-۲- صحت روایت از منظر برخی از عالمان امامیه

همچون روایت چهارصد و هشتاد و سوم کتاب روضه الکافی که مجلسی این روایت را "حسن کالصحیح" ارزیابی کرده است. سپس به منظور جبران این ضعف، به صحت آن از منظر شهید ثانی استناد می‌کند (مجلسی، مرآة العقول، ۴۰۶/۲۶).

۱۰-۳- دلالت روایت بر حکم فقهی مشهور

همچون روایت پنجم باب "الرجل يطوف فتعرض له الحاجة أو العلة" از الکافی که مجلسی این روایت را به دلیل وجود "سهل بن زیاد" در سند، "ضعیف علی المشهور" دانسته است (نک: ۲-۲-۱) سپس به منظور جبران ضعف سند، بیان داشته که این روایت، بر حکم فقهی مشهور از منظر فقیهان امامی دلالت می‌کند (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۳۵/۱۸).

۱۰-۴- شهرت روایت نزد متقدمان امامیه

علامه مجلسی، روایت یازدهم باب "بيع الغرر و المجازفة و الشيء المبهم" از الکافی را به دلیل وجود "سهل بن زیاد" در سند، "ضعیف علی المشهور" ارزیابی کرده است؛ سپس در شرح روایت می‌گوید: «ضعف این روایت با شهرت داشتن آن بین علماء متقدم امامیه جبران می‌شود (مجلسی، مرآة العقول، ۲۱۰/۱۹).

۱۰-۵- فتوای برخی از فقیهان امامی به روایت

مانند روایت سی و چهارم باب "بدء الأذان و الإقامة" از الکافی که مرحوم مجلسی به دلیل وجود "علی بن ابی حمزة" در سند، این روایت را "ضعیف علی المشهور" می‌داند. سپس به منظور جبران ضعف سند می‌گوید: "و علیه الفتوی" که در واقع فتوای برخی فقیهان امامی به این روایت را به نوعی موجب جبران ضعف آن دانسته است (نک: مجلسی، مرآة العقول، ۹۶/۱۵).

۱۰-۶- تلقی به قبول شدن از منظر امامیه

همچون روایت دوم از باب "ماء الحمام و الماء الذی تسخنه الشمس" از الکافی که مجلسی آن را به دلیل وجود "بَکْرِ بْنِ حَبِیبٍ" در سند، مجهول می‌داند. سپس نظر شیخ بهایی در مورد آن را بیان می‌کند که هر چند "بَکْرِ بْنِ حَبِیبٍ" مجهول الحال است، لکن علماء امامیه این روایت او را تلقی به قبول کرده‌اند (شیخ بهایی، *الحبل المتین*، ۱۱۵). چنین می‌نماید که مجلسی، نظر شیخ بهایی را پذیرفته است، زیرا پس از نقل آن، اشکالی بر آن وارد نکرده است (نک: مجلسی، *مرآة العقول*، ۴۸/۱۳).

۱۰-۷- تکرار روایت در اصول

همچون روایت پنجم از باب "المحرم یتزوج أو یرزوج" از الکافی که در طریق آن "سماعة بن مهران" وجود دارد که غیر امامی موثق است (نک: مجلسی، *الوجیزة*، ۹۰). مجلسی این روایت را به دلیل "سماعة بن مهران" در سند، موثق دانسته و پس از شرح روایت، آن را معتبر ارزیابی کرده است؛ زیرا او در کتب رجال توثیق شده است (نک: نجاشی، ۱۹۴؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ۳۳۷؛ حلی، *خلاصة الاقوال*، ۲۲۸) و أصحاب (علماء امامیه) به خبر او اعتماد دارند. حتی اگر ضعف روایت وی ثابت شود، این ضعف با شهرت آن بین امامیه و تکرار آن در اصول جبران می‌شود (نک: مجلسی، *مرآة العقول*، ۳۴۵/۱۷).

نتیجه

۱- توجه به ویژگی‌های شخصیتی راویان، امکان نقل روایت با لحاظ طبقه‌ی راوی، کشف تصحیف، بررسی حالات مختلف عطف در یک سند، بررسی احتمالات موجود در مرجع ضمیر، نقد بر اساس احتمالات موجود در تشخیص راویان، نقد مستقل نسخه‌های مختلف از یک روایت، نقد بر اساس اسانید روایات دیگر یک راوی، ارزیابی مجموع اسانید یک روایت، نقد بر اساس جبران ضعف سند، از مهمترین روش‌های علامه مجلسی در نقد سند است.

۲- تأمل در موارد نقد سند در مرآة العقول، بیانگر این مطلب است که علامه مجلسی در بسیاری از موارد، ابتدا سند روایت را براساس نظر مشهور علماء رجال نقد می‌کند و سپس در صورت مغایرت آن با نظر خویش، به نقد سند بر اساس مبانی و دیدگاه‌های رجالی خویش می‌پردازد.

۳- علامه مجلسی، در نقد سند، به منظور کشف تصحیف، از قرائن و شواهد گوناگونی مانند تکرار حدیث در همان کتاب، توجه به دیگر نسخ، توجه به دیگر کتب روایی و توجه به کثرت روایت از مروی عنه استفاده کرده است.

۴- علامه مجلسی، در برخی از موارد که سند برخی از روایات را ضعیف دانسته است، به منظور دفاع از چنین روایاتی و عدم طرد آنها، بر اساس برخی از قرائن که عبارتند از نقل روایت با سندی صحیح، صحت آن از منظر برخی از علماء امامیه، دلالت آن بر حکم فقهی مشهور، شهرت روایت نزد متقدمان امامیه، فتوای برخی از فقیهان امامی به روایت، تلقی به قبول شدن روایت از منظر امامیه و تکرار آن در اصول، به جبران ضعف آن روایات پرداخته است.

فهرست منابع

۱. ابن الغضائری، احمد بن ابی عبدالله، رجال، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ ه.ق.
۲. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی [شیخ صدوق]، الخصال، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳. همو، من لا یحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۴. ابن داود حلّی، حسن بن علی، الرجال، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه.ق.
۵. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی، اقبال الأعمال، دار الکتب الإسلامیة تهران، ۱۳۶۷.
۶. همو، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، انتشارات رضی، قم، بی تا.
۷. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن جعفر، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ه.ق.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد بن محمد [محقق اردبیلی]، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، به کوشش مجتبی عراقی و شیخ علی پناه اشتهاوردی و حسین یزدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ه.ق، چاپ اول.
۹. برقی، ابوجعفر احمد بن ابی عبد الله بن خالد، طبقات الرجال [رجال برقی]، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه.ق.
۱۰. جزائری، سید نعمة الله، کشف الأسرار فی شرح الاستبصار، به کوشش سید طیب موسوی جزائری، مؤسسه دار الکتب قم، ۱۴۰۸ ه.ق، چاپ اول.
۱۱. حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن [محقق حلّی]، الرسائل التسع، به کوشش رضا استادی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۳ ه.ق، چاپ اول.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر [علامه حلّی]، خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال (رجال العلامة الحلّی)، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ه.ق.

۱۳. همو، *مختلف الشيعة في أحكام الشريعة*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۴. همو، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۵. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، انتشارات کتابخانه نینوی، تهران، بی تا.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۷. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، [محقق سبزواری]، *کفایة الأحكام*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، بی تا.
۱۸. سلیم بن قیس هلالی کوفی، کتاب سلیم بن قیس، انتشارات الهادی، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۹. شهید اول، شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی عاملی، *ذکری الشيعة في أحكام الشريعة*، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۹ ه.ق، چاپ اول.
۲۰. شهید ثانی، جبعی عاملی، زین الدین بن علی بن احمد، *الرعاية في علم الدراية*، به کوشش عبدالحسین محمدعلی البقال، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۳ ه.ق، چاپ دوم.
۲۱. شیخ بهائی، بهاء الدین محمد بن حسین حارثی عاملی جبعی، *الحاشية على من لا يحضره الفقيه*، قم: ناشر آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه.ق.
۲۲. همو، *الحبل المتين في أحكام الدين*، به کوشش مرتضی احمدیان، کتابفروشی بصیرتی، قم، ۱۳۹۰ ه.ق، چاپ اول.
۲۳. همو، *مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین (مجمع النورین و مطلع النیرین)*، با تعلیقات خواجهائی مازندرانی، (محمد) اسماعیل بن محمد حسین، به کوشش سید مهدی رجائی، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۱۴ ه.ق، چاپ اول.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، [امین الاسلام]، *إعلام الوری*، دار الکتب الإسلامية تهران، ۱۳۹۰ ه.ق، چاپ اول.
۲۵. طوسی، أبو جعفر محمد بن حسن، *الأمالی*، دار الثقافة قم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۶. همو، *اختیار معرفه الرجال*، انتشارات حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ ه.ق.
۲۷. همو، *الإستبصار فی ما اختلف من الأخبار*، دار الکتب الإسلامية تهران، ۱۳۹۰ ه.ق.
۲۸. همو، *تهذیب الأحكام*، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵.
۲۹. همو، *العدة في اصول الفقه*، به کوشش محمدرضا انصاری قمی، مطبعة ستاره، قم، ۱۴۱۷ ه.ق، چاپ اول.
۳۰. همو، *الفهرست، المكتبة المرتضوية، نجف اشرف*، بی تا.
۳۱. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الإسلامية تهران، ۱۳۶۵.

۳۳. مازندرانی (۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶ م)، مولی محمد صالح، شرح أصول الکافی، به کوشش میرزا ابوالحسن الشعرانی، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ه.ق.
۳۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳۵. همو، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، به کوشش سید هاشم رسولی دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ه.ق، چاپ دوم.
۳۶. همو، ملان الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، به کوشش سید مهدی رجائی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ ه.ق، چاپ اول.
۳۷. همو، الوجیزه فی الرجال، به کوشش محمدکاظم رحمان ستایش، موسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، تهران، ۱۴۲۰ ه.ق، چاپ اول.
۳۸. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، به کوشش سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهازدی و سید فضل الله طباطبائی، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، ۱۴۰۶ ه.ق، چاپ دوم.
۳۹. همو، لوامع صاحبقرانی المشتبه بشرح الفقیه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ ه.ق، چاپ دوم.
۴۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه.ق، چاپ اول.
۴۱. همو، الأمالی، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۴۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی نا، بی جا، بی تا.
۴۳. نجاشی اسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۴۴. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، به کوشش شیخ عباس قوچانی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا، چاپ هفتم.
۴۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۴۶. نوری، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، بی تا، چاپ اول.
۴۷. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، الحاشیة علی مدارک الأحکام، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم، بی تا.
۴۸. همو، مصابیح الظلام، مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی، قم، ۱۴۲۴ ه.ق، چاپ اول.